

بررسی روایی «قرعه» و ارتباط آن با مفهوم «شانس» در فرهنگ اسلامی با تکیه بر

آموزه‌های دینی

فاطمه فاخری^۱

^۱ پژوهشگر و کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی (۶) تهران - ایران

چکیده

در طول زندگی آدمی، بسیار پیش می‌آید که افراد بر سر دو راهی انتخاب و تصمیم‌گیری متحیر می‌شوند. در این شرایط، با در نظر گرفتن بعضی اصول، یکی از آخرین راهکارهایی که ممکن است مورد استفاده قرار گیرد، قرعه است. "قرعه" یک قاعده فقهی است که غرض از آن گره‌گشایی و رفع تحیر است. در این نوشتار ضمن بررسی ابعاد روایی قرعه، به بررسی مفهوم "شانس" پرداخته شده و چگونگی ارتباط این دو مفهوم را بر اساس آموزه‌های اسلام مورد بررسی قرار دادیم. بر این اساس، اگر شانس و قرعه را در فرهنگ اسلامی، معلول علت‌های ناشناخته بدانیم، از نظر دینی مورد پذیرش نخواهد بود. این در حالی است که اگر شانس و قرعه را به گونه‌ای مثبت و دارای مبنایی الهی تعبیر کنیم، از نظر دین مورد تأیید می‌باشد، چرا که در قرآن و روایات نیز، قرعه در بعضی مسائل به کار گرفته شده است.

واژه‌های کلیدی: قرعه، شانس، دین، فرهنگ، اسلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

قرعه نزد فقها یکی از قواعد مسلم فقهی است که در بسیاری از ابواب فقه جریان دارد. اهل فقهات، هر کجا که موضوعات مشتبه هستند، به آن تمسک می‌جویند. افزون بر این، اجماع علما را به همراه داشته و عمل به مقتضای آن یک حکم عقلایی است. به این معنا که عقلاء، در صورت بسته شدن تمام راه‌ها، قرعه را راهی برای رسیدن به واقع می‌دانند و به وسیله آن رفع مشکل و اشتباه می‌کنند. (بجنوردی، قواعد فقهیه، صص ۲۲۲-۲۲۱)

به بیان دیگر، قرعه کشی یکی از روش‌های رایج در حل اختلافات به شمار می‌رود. این روش در میان امت‌های پیشین نیز معمول بوده است. امروزه نیز در برخی کشورها کاربردهایی دارد. به طور مثال؛ میادین ورزشی و یا در صنعت بانکداری، به عنوان روشی برای اهدای جوایز به شرکت کنندگان استفاده می‌شود که طی این قرعه کشی‌ها، نام تعدادی از افراد به طور کاملاً تصادفی به عنوان برگزیده بیرون می‌آید.

بر این اساس، با تأمل در آیات قرآن می‌توان دریافت که قرعه انداختن برای برون رفت از مشکلات، در میان امت‌های پیش از اسلام، حتی در عصر جاهلیت نیز رواج داشته است و سابقه‌ای بس دیرینه دارد. این رسم کهنه، هم در گذشته و هم در عصر حاضر، انواع مختلفی داشته و دارد.

این نوشتار در پی بررسی قرعه از منظر روایی آن می‌باشد، ولی ضروری می‌داند از آیات قرآنی مرتبط با قرعه نیز یاد کند، چرا که ارتباط و پیوستگی قرآن و روایات از هم گسستنی نیست و این دو هم پوشانی عمیقی با هم دارند. قرآن کریم در دو آیه ضمن روایت برخی داستان‌های تاریخی درباره حضرت یونس^(ع) - فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ (صافات: ۱۴۱) - و نیز حضرت مریم^(س) - ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَفْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرِيْمَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ (آل عمران: ۴۴) - تصریح می‌کند که عده‌ای برای تصمیم‌گیری و رفع مشکلات بوجود آمده به قرعه روی آوردند.

در مقاله حاضر عمده تلاش بر آن بوده تا ضمن شناسایی مفهوم، ماهیت و حقیقت قرعه، به بررسی روایات قرعه و چگونگی ارتباط این مفهوم با فرهنگ شانس پرداخته شود. از اصلی‌ترین دلایل و اهداف پرداختن به این موضوع را می‌توان پاسخ به سؤالاتی از قبیل موارد ذیل دانست. از جمله این موارد عبارتند از:

الف) موارد کاربرد قرعه کشی از دیدگاه روایات چیست؟ (ب) آیا قرعه کشی همیشه انتخاب صحیح را معین می‌کند؟ (ج) چگونه می‌توان به نتایج قرعه اعتماد کرد؟ (د) ارتباط قرعه با شانس چیست؟ (ن) اگر غرض از قرعه، یافتن فرد خوش‌شانس باشد، آیا در صورت یافتن فرد مورد نظر، برای موارد بعدی دیگر نیازی به انداختن قرعه نیست؟ (و) چه زمانی می‌توان از این راهکار استفاده کرد؟ (ه) گفته‌اند: «قرعه را تنها به عنوان آخرین راه حل به کار ببرید. جایی که هیچ اولویتی بین اصحاب مورد انتخاب نباشد»؛ در این جا این سؤال مطرح می‌شود که آیا در هر جایی که به بن بست رسیده‌ایم می‌توانیم از قرعه کشی استفاده کنیم؟ این قاعده در چه شرایطی جاری است؟

پاسخ به سؤالات فوق و چندین سؤال دیگر پیرامون قرعه و ارتباط آن با فرهنگ بخت و شانس اهمیت پرداختن به این بحث را روشن می‌سازد.

پیشینه

از جمله قواعدی که به آن در استنباط تکالیف در موضوعات، اعتماد شده و در متون دینی مطرح گردیده، "قاعده قرعه" است. این قاعده از دیرباز توجه فقهای اسلام و امامیه را به خود معطوف داشته است، به گونه‌ای که این قاعده را در کتب خود، از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

از جمله این کتب، کتاب "قاعده قرعه"^۱ از آقای فاضل لنکرانی است که در ۳۹۲ صفحه و به زبان فارسی در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. ایشان این قاعده را اگرچه در برخی از جهات مطابق با سیره عقلا دانسته، اما از جهاتی دیگر آن را یک قاعده تبعّدی شرعی می‌داند. همچنین با شرایطی به اثبات رسانده‌اند که این قاعده در مورد شبهات موضوعی مقرون به علم اجمالی نیز است و با روایاتی از قرعه بر آماره بودن آن استدلال کرده‌اند.

از کتب دیگری که به شرح و توضیحاتی در خصوص این قاعده پرداخته‌اند، می‌توان از؛ "قواعدالفقهیه" آقای مکارم شیرازی و کتاب "نگاهی نو به قواعد فقهی" آقای تقوی یاد کرد. اما بیان این نکته ضروری می‌نماید که، این کتب از منظر فقهی نگاشته شده‌اند و این در حالی است که شیوه ما در این پژوهش، بررسی روایی و مفهوم شناسانه از این قاعده ضمن چگونگی ارتباط آن با مفهوم شانس از طریق آموزه‌های دینی می‌باشد.

۱- ماهیت قرعه

از آنجا که موضوع اصلی این پژوهش در رابطه با قرعه می‌باشد، در ابتدای امر ضروری است با ماهیت این مفهوم آشنا شویم. لذا برای نیل به این مقصود، به تعریف لغوی و اصطلاحی این واژه می‌پردازیم.

۱-۱- معنای لغوی قرعه

"قرعه" واژه‌ای عربی است و در لغت به ضم قاف، سکون راء و فتح عین حاصل مصدر از ریشه (قرع) و به معنای سهم (القرعة: السّهمه)، برگزیدن و برگزیدن شیء و انتخاب کردن آمده است. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۲۶۶) در کتاب العین "قرعه" به معنای «نصیب»، «بهره» و «قسمت» آمده است. (فراهیدی، کتاب العین، ج ۱۲، ص ۳۰۸)

گاهی این واژه را در معنای وسیله‌ای به کار می‌برند که قرعه کشی با آن انجام می‌شود. (طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۱۲) همچنین در معنای آن چه به فال زنند نیز آمده است. قراع به معنای اقتراع نیز به کار رفته است، که علاوه بر معنای مصدری که همان قرعه کشیدن است، در معنای اسم مصدری (قریح) هم استعمال شده که به معنای "بهترین مال" می‌باشد. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۲۶۶)

در فرهنگ معین نیز این گونه آمده است که؛ قرعه از عبارت "قارعة القلوب" گرفته شده که به معنای ترساننده قلوب می‌باشد، زیرا تا نتیجه قرعه معلوم شود، طرفین همواره در ترس و اضطراب به سر می‌برند. (معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۶)

۱-۲- معنای اصطلاحی قرعه

قرعه در اصطلاح راهی است که با آن تقسیم سهام و پایان دادن به اختلافها و نزاعها صورت می‌گیرد. القرعة لکل امر مشکل، برخی هم آن را روشی دانسته‌اند، که از آن برای رفع تحیر و امکان تصمیم در جایی که ترجیحی در بین نباشد، استفاده می‌شود. (تاجمیری، فرهنگ عبارات و اشارات حقوقی، ج ۱، ص ۱۵۹)

فقها قرعه را عملی متعارف و معهود دانسته‌اند که در عرف متشرعه، دارای معنای خاص است. لذا حقیقت شرعیهای در این زمینه وجود ندارد و معنای اصطلاحی که از معنای لغوی آن نیز دور نمانده است، تدبیری است که در هنگام شبهه و ابهام برای تعیین مطلوب به کار می‌رود آن را دلیلی برای اثبات هر امر مشکل قرار داده‌اند. البته با این شرط که نتوان واقعیتها را از راه دیگری به دست آورد.

به عبارت دیگر، قرعه در تعبیر اصطلاحی‌اش عمل معهود و متعارفی است که موجب تمییز حقوق و کشف از واقع یا یقین یکی از امور می‌شود.

۲- نمونه‌هایی از سوابق تاریخی قرعه

ریشه‌های بحث قرعه را می‌توان در اعماق تاریخ بشر جست‌وجو کرد. با نگاهی گذرا به صفحات تاریخ این حقیقت آشکار خواهد شد که اعمال قرعه اختصاص به ادیان الهی و آسمانی ندارد، سرّ این مطلب آن است که قرعه از ره آورد دین نیست، بلکه محصول فکر و عقل بشری است و اگر دین به آن مهر تأیید زده از نگاه امضاء می‌باشد، نه تأسیس، از این رو در همه جوامع بشری خواه ملحد یا مؤمن، با وجود فرهنگ‌های مختلف، اعمال قرعه در ردیف عادات اجتماعی زندگی‌شان در آمده است و به عنوان یک مرجع اساسی برای پایان دادن به منازعات یا تعیین مشکوکات و مجهولات مطرح شده است. (زینی وند، مطالعه تاریخی و فقهی کاربرد قاعده قرعه، صص ۳۷-۳۵)

جرجی زیدان در کتاب معروف خود چنین می‌نویسد که: «در عصر جاهلیت، در میان اعراب پیش از اسلام، رئیس و شیخ قبيله همه کاره و فرمانروا بود که هم رهبری، هم قضا و داوری و هم فرماندهی لشکریان با او بود. اگر طبق شرایطی قبایل در جنگ با دشمن مشترک هم پیمان می‌شدند، میان رؤسای قبایل هم پیمان قرعه می‌انداختند و هرکس که نام او در می‌آمد، او را فرمانده تمامی قبایل قرار می‌دادند. (زیدان، تاریخ تمدن اسلامی، ج ۱)

در عصر جاهلیت و در زمان نزدیک به بعثت خاتم الانبیا^(ص) نیز قرعه معمول بود. قضیه عبدالمطلب، جدّ رسول خدا، از مشهورترین شواهد مورد استشهاده می‌باشد که ایشان صاحب نه پسر شدند. در دهمین فرزند نذر کردند که در صورتی که پسر باشد، برای خدا قربانی اش کند. از قضاء دهمین فرزند نیز پسری شد به نام عبدالله، ایشان خواستند نذرشان را به جا بیاورند، اما نتوانستند چرا که در صلبش پیامبر^(ص) قرار داشت. برای وفای نذر چاره‌ای اندیشید و تصمیم گرفت میان عبدالله و ده شتر قرعه بیندازد. قرعه به نام عبدالله در آمد. ایشان ده تا ده تا بر رقم شترها اضافه کرد تا وقتی که عدد شتران به صد رسید. در این موقع عبدالمطلب گفت: «الآن علمت أنّ ربی قد رضى» ؛ اکنون متوجه شدم که پروردگارم از نتیجه قرعه راضی است. (حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۲۶۰) بر این اساس، صد شتر ره آورد قرعه بود که دیه انسان مطابق صد شتر تعیین گردید.

همچنین در عصر خود پیامبر^(ص) نیز قرعه معمول بود، به عنوان نمونه آن گاه که قریشیان در ساختن کعبه اختلاف نمودند، خود رسول خدا^(ص) بینشان قرعه انداخت. (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۲۱۸) حضرت علی^(ع) نیز در مواردی چند، قرعه را به کار برده‌اند، از جمله؛ از ابی عبدالله^(ع) نقل شده که فرمود: «حضرت علی^(ع) هر گاه دو مرد نزد او به مرافعه می‌آمدند و هر دو شهودی داشتند که از حیث تعداد و عدالت با هم برابر بودند میان آن‌ها قرعه می‌کشید.» (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹)

۳- بررسی روایات دال بر حجیت قرعه

مهمترین ادله و مستندات حجیت این قاعده افزون بر روایات، آیات و بنای عقلاء نیز هستند که ما در این پژوهش صرفاً از جنبه روایات به حجیت آن می‌پردازیم.

مرحوم میر فتح در جلد اول کتاب العناوین خود در خصوص روایات مربوط به قرعه می‌فرماید: «القریبۃ من التواتر هی علی حدّ التواتر»؛ می‌فرماید این روایت به تواتر نزدیک است و بلکه به حدّ تواتر رسیده است. این عبارت نشان می‌دهد که بزرگان ما در تعبیر دقت داشتند. در این کتاب، مرحوم میر فتح حدود ۳۷ روایت نقل می‌کند که با روایات مشابه به ۴۰ روایت می‌رسد. (میر فتح، العناوین، ج ۱، ص ۳۴۱) مرحوم نراقی نیز در کتاب خود در خصوص روایات وارده می‌فرماید که این روایات به حدّ تواتر رسیده است و ۴۶ روایت را نقل می‌کند. (نراقی، عوائد الایام، ص ۶۴۰)

شیخ حر عاملی نیز این روایات را در ابواب مختلف از طهارت، صلاّه، تجارت، وصایا، عتق، اطعمه و اشربه، میراث و قضا، مجموعاً حدود ۶۶ روایت نقل کرده است و مهم‌ترین جایی که روایات قرعه در آن ذکر شده است، در باب قضا در ابواب کیفیت الحکم است که حدود ۳۰ روایت در این باب‌ها آمده است. مرحوم حاجی نوری هم در کتاب مستدرک الوسائل ۱۵۰ حدیث نقل کرده است. پس؛ مجموعاً در این دو کتاب ۸۱ روایت داریم؛ لذا این که بزرگان فرموده‌اند این روایات به حدّ تواتر رسیده است، تردیدی در آن نیست. (فاضل لنکرانی، محمدجواد، منبع الکترونیکی، تقریرات درس)

مرحوم امام^(ع) در کتاب رسائل که به عنوان "الاستصحاب" چاپ شده است، رساله‌ای در مورد قرعه دارد که از همان ابتدا وارد مبحث روایات شده است. می‌فرماید: در روایات قرعه، سه نوع روایت داریم؛ یک نوع، روایاتی است که از آن‌ها عموم نحو کامل استفاده می‌شود و هیچ اختصاصی به باب یا موردی ندارد. نوع دوم روایاتی عامه‌ای است که فی الجمله عمومیت دارند و نوع سوم، روایات خاصه‌ای است که در موارد خاص وارد شده است. (همان)

بر این اساس، ما در این پژوهش، انواع روایات قرعه را در دو دسته کلی تحت عناوین؛ (۱) روایات عام و کلی (۲) روایات خاص، دسته بندی می‌کنیم و تا حدی که پژوهش اجازه دهد، مواردی را نیز ذکر می‌کنیم. نکته‌ای که بیان آن قبل از ذکر روایات ضروری می‌نماید، این است که، روایات عام تنها در خصوص قاعده قرعه و صحت آن بیان شده، این در حالی است که روایات خاص، آن دسته از روایات هستند که بسته به موضوع حادث آن در زمان معلوم در مورد قرعه ذکر شده‌اند.

۳-۱- روایات عام و کلی

الف- « و بإسناده عن محمد بن أحمد بن يحيى، عن موسى بن عمر، عن علي بن عثمان، عن محمد بن حكيم، قال: سألت أبا الحسن (ع) عن شيء فقال لي: كل مجهول فقيه القرعة، قلت له: إن القرعة تخطيء و تصيب قال: كل ما حكم الله به فليس بمخطيء» (محمد بن علي بن الحسين بإسناده عن محمد بن حكيم مثله). (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ح ۱، ص ۲۶۹)

ب- « و عنه، عن عبدالرحمن بن أبي نجران، عن عاصم بن حميد، عن بعض أصحابنا، عن أبي جعفر (ع) قال: بعث رسول الله (ص) علياً (ع) إلى اليمن فقال له حين قدم: حدثني بأعجب ما ورد عليك، فقال: يا رسول الله! أتاني قد تبايعوا جارية، فوطأها جميعهم في طهر واحد، فولدت غلاماً فاحتجوا فيه كلهم يدعيه فأسهمت بينهم، فجعلته للذي خرج سهمه و ضمنته نصيبهم فقال رسول الله (ص)، ليس من قوم تنازعوا ثم فوضوا أمرهم إلى الله إلا خرج سهم المحق». (همان، ح ۵)

ج- « و عنه عن ابن أبي عمير، عن جميل قال: الطيار لزرارة: ما تقول في المساهمة؟ أليس حقاً؟ فقال زرارة: بلى هي حق، فقال الطيار: أليس قد ورد أنه يخرج سهم المحق؟ قال: بلى، قال: فتعال حتى ادعى أنا و أنت شيئاً، ثم نساهم عليه و نظره هكذا هو؟ فقال له زرارة: إنما جاء الحديث بأنه ليس من قوم فوضوا أمرهم إلى الله ثم اقترعوا، إلا خرج سهم المحق، فأما على التجارب فلم يوضع على التجارب، فقال الطيار: رأيت إن كانا جميعاً مدعين، ادعيا ما ليس لهما من أين يخرج سهم أحدهما؟ فقال زرارة: إذا كان كذلك جعل معه سهم مبيح فان كانا ادعيا م ليس لهما خرج سهم المبيح». (همان، ح ۴)

د- « و بإسناده عن حسين بن سعيد، عن حماد بن عيسى، عن سيابة و إبراهيم بن عمر جميعاً، عن أبي عبدالله (ع) _ في رجل _ قال: أول مملوك أملكه فهو حر، فورث ثلاثة قال: يقرع بينهم فمن أصابه القرعة أعتق قال: و القرعة سنة». (صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۹۴)

و- « احمد بن البرقي عن ابن محبوب عن جميل بن صالح، عن منصور بن حازم قال: سألت بعض أصحابنا أبو عبدالله (ع) عن مسأله. فقال: هذه تخرج في القرعة ثم قال فأي قضية أعدل من القرعة، إذا فوضوا أمرهم الى الله عزوجل أليس الله يقول: "فساهم فكان من المدحزين"».

۳-۲- روایات خاص

در خصوص روایات خاص مربوط به قرعه، امام خمینی^(۵) ۲۱ عنوان ذکر کرده‌اند که در کتاب الاستصحاب در رساله مربوط به قرعه قابل ملاحظه است. اما در کتاب الفقیه آقای مکارم شیرازی، روایات قرعه را به ده نوع تقسیم کرده‌اند، که البته تفاوت‌هایی هم در دسته بندی‌ها وجود دارد. بر این اساس، ما در این پژوهش فقط به دو مورد به صورت اجمالی اشاره می‌کنیم:

الف- « و عنه عن حماد عن مختار؛ قال: دخل أبوحنيفة على أبي عبدالله (ع)؛ فقال له أبو عبدالله (ع): ما تقوم في بيت سقط على قوم فبقي منهم صبيان أحدهما حر و الآخر مملوك لصاحبه فقال أبوحنيفة: يعتق نصف هذا و نصف هذا؛ فقال أبو عبدالله (ع): ليس كذلك و لكنه يقرع بينهما فمن أصابته القرعة فهو الحر، و يعتق هذا فيجعل مولی لهذا.

ب- روایت اول: «عنه عن محمد بن عیسی عن الرجل (والظاهر أنه الهادی أو العسکری(ع)). أنه سئل عن رجل نظر الی راع نزا علی شاة قال: إن عرفها دبحها و احرقها و ان لم يعرفها قسمها نصفین أبدأ حتی یقع السهم بها فتذبح و تحرق و قد نجت سائرها».

روایت دوم: «عن أبی الحسن الثالث(ع) فی جواب مسائل یحیی بن اکثم قال: و اما الرجل الناظر الی الراعی و قد نزا علی شاة فان عرفها ذبحها و أحرقها و ام لم يعرفها قسم الغنم نصفین و ساهم بینهما فإذا وقع علی أحد النصفین فقد نجا النصف الآخر».

۳-۱-۱- بررسی روایات عام و کلی^۱

بررسی روایت (الف): این روایت تنها از جهت علی بن عثمان اشکال دارد، اما از آن جا که روایات به حدّ تواتر رسیده است، نیازی به بررسی سندی ندارد. مرحوم صدوق هم همین روایت را در "من لا یحضر الفقیه" به دو طریق صحیح دیگر نقل کرده است. محمد بن حکیم می گوید: از امام کاظم^(ع) در مورد چیزی سؤال کردم؛ حضرت به من فرمودند: هر چیزی که مجهول است - پس، عن شیء، یعنی؛ عن شیء مجهول - قرعه انداخته می شود. به حضرت عرض کردم: قرعه یا به واقع می خورد یا به خطا می رود. حضرت فرمودند: هر چیزی که خداوند به وسیله آن حکم می کند؛ خطاکار نیست.

سؤالی که این جا پیش می آید این است که؛ آیا مقصود از «کلّ ما حکم الله به فلیس بمخطیء» این است که قرعه کشی همیشه انتخاب صحیح را معین می کند؟ پاسخ این سؤال را از بیانات مرحوم نراقی بیان می کنیم که ایشان دو احتمال برای آن ذکر کرده اند: احتمال اول؛ هنگامی که قرعه با شرایطش واقع شود، حکم خدا در این قرعه هیچ گاه به خطا نمی رود. در این صورت قرعه، طریق برای حکم خدا می شود و کاشفیت از واقع دارد. احتمال دوم این است که بگوییم؛ بنای خداوند این است که اگر قرعه به خطا هم رفت، آن چیزی که به عنوان قرعه مشخص شده حکم اوست. مثلاً اگر در موردی قرعه انداخته شد و ملک دیگری به اسم شخصی دیگر درآمد، طبق این معنا، بنای خداوند همین می شود که این حکم الله است، هر چند به خطا رفته باشد.

سؤال دیگر این که؛ مقصود از «کلّ مجهول» چیست؟ و آیا قرعه اختصاص به موردی دارد که در ظاهر مجهول است یا در موردی که به واقع نیز مجهول باشد قرعه می آید؟ پاسخ این که؛ «کلّ مجهول» در این جا عمومیت دارد؛ سواء کان مجهولاً بحسب الواقع أم لم یکن مجهولاً بحسب الواقع بل کان مجهولاً بحسب الظاهر فقط.

نکته دیگر این که؛ دو حدیث دیگر نیز در این باب هست که شبیه این روایت است. در این رابطه، در باب روایات گاه روایت هست که سه بار و بیشتر ذکر شده است، اما این ها چند روایت نیست بلکه یک روایت است؛ و این جایی است که مضمون روایت به علاوه مروی عنه یکی باشد.

^۱ هر یک از این روایات بر اساس آن چه که در موارد (۳-۱) آمده با حروف الفبای ابتدای هر روایت در این بررسی ها نام برده می شوند.

بررسی روایت (ب): منظور از «عنه» در سند شیخ طوسی، به حسین بن سعید اهوازی است که صحیح است، دو فرد بعدی هم موثق هستند؛ منتها «عن بعض أصحابنا» روایت را مرسل می‌کند. این روایت از امام باقر^(ع) است. اگر در همین باب حدیث ششم را ببینیم: «و رواه الصدوق باسناده عن عاصم بن حمید، عن أبي بصير، عن أبي جعفر(ع) نحوه إلا أنه قال: ليس من قوم تقارعوا»، متوجه می‌شویم که با این روایت- روایت ب- یکی هستند و این روایت برخلاف روایت قبلی موثق است و اشکال سندی ندارد. اختلاف این دو روایت در تعبیر «تنازعوا» و «تقارعوا» می‌باشد و این ناشی از کتابت و نسخه‌برداری‌ها است و قرائن نشان می‌دهد که نقل «تقارعوا» صحیح است و در این روایت اگر به نقل مرحوم صدوق بپردازیم، روایت عام خواهد شد و تمامی موارد را شامل می‌شود. البته ممکن است این نکته بدست آید که عبارت «إلا سهم المحق» به باب قضا و فزاع مربوط است و از عمومیت ساقط می‌شود ولی این گونه نیست و این عبارت علاوه بر قضا در باب‌های دیگر نیز جریان دارد.

بررسی روایت (ج): عنه یعنی اسناد مرحوم شیخ طوسی به حسین بن سعید که گفته شد صحیح است. زرارۀ و طیار هم از فقهای اصحاب امام باقر^(ع) و امام صادق^(ع) بودند. در نتیجه این ۳ روایت، در واقع یک روایتند و روایات مختلف نیستند.

بررسی روایت (د): شیخ طوسی این روایت را از حسین بن سعید اهوازی نقل می‌کند، در سند این روایت سیّابه مجهول الحال است ولی ابراهیم بن عمر موثق است. بنابراین روایت صحیحه است. مضمون این روایت نیز این است که؛ از امام صادق^(ع) پرسیدند که مردی نذر می‌کند اولین مملوکی که پیدا کردم، آزاد است. در این جا سه بنده به او ارث رسیده است، چه باید بکند؟ امام فرمودند: بین آن‌ها قرعه انداخته شود و به اسم هر کدام درآمد، آزاد است. امام در ادامه می‌فرماید: «و القرعة سنة». حال سؤالی که مطرح می‌شود عمومیت این حدیث است، که به چه صورت است؟ در پاسخ باید بگوییم؛ کلمه سنت در این جا در مقابل وجوب نیست و سنت در باب قرعه، در برخی روایات داریم که؛ «أول من سوهم عليه مريم»؛ اول کسی که قرعه به نام او زده شد، مریم بنت عمران است و در ادامه دارد که؛ «فجرت السنة على ذلك»؛ که در این صورت «سنت» یعنی مطلب مجهول و مشکل و یا مشتبه، که باید در مورد آن قرعه زده شود. بنابراین این روایت، از روایات عامه است.

بررسی روایت (و): از بررسی سندی این روایت متوجه می‌شویم که روایت، روایت معتبری است. به قرینه، معلوم می‌شود که مراد از مسئله، «مشکل» است. همچنین معنای مسئله در عربی نیز «مشکل» می‌باشد. در این روایت «فأی قضیه اعدل» آمده است و روشن است که از روایات عامه است.

مضاف بر این روایات، روایات دیگری هم داریم که عمومیت را می‌رسانند. و مجموعاً ۱۰ روایت می‌باشد.

۳-۲-۱- بررسی روایات خاص

بررسی روایت (الف): این روایت، صحیحه است. در این روایت که امام نزد ابوحنیفه رفت و پرسشی در مورد سقفی که بر قومی بریزد و دو بیچه از ایشان باقی بماند که یکی ملک است و دیگری حرّ است و نمی‌دانیم کدام حرّ است و کدام ملک است و در این موقعیت چه باید کرد، پرسیدند. ابوحنیفه پاسخ داد: نصف از هر کدام از این بیچه‌ها آزاد می‌شود. حضرت فرمودند: اشتباه می‌کنی و این حکم نادرست است. این جا جای قرعه است و باید قرعه انداخته شود، و کسی را که قرعه به نام او درآمد عنوان معتق دارد و حرّ است و دیگری عنوان عبد را دارد.

نکته‌ای که در این جا بیان آن خالی از لطف نیست، این است که؛ این گونه سؤالات و جهات در این روایات زیاد اتفاق افتاده و این برای آن نبوده که ائمه^(ع) بخواهند آن‌ها را امتحان کنند بلکه برای این بوده که اثبات کنند این افراد لایق فتوا و اهل فتوا نیستند.

بررسی روایت (ب) : به صورت مختصر برای جلوگیری از اطاله کلام باید گفت: این روایات از نظر سندی مشکلی ندارند و صحیح‌اند. در جلد ۳۶ جواهر گفته شده که؛ هیچ خلاقی در این که در غنم موطوئه باید قرعه انداخته شود، وجود ندارد. (نجفی، جواهر الکلام، ص ۴۶)

۴- نمونه‌هایی از موارد مشابه با قرعه در عصر حاضر

۴-۱- استخاره و فرق آن با قرعه

"استخاره" عبارت است از طلب شناخت چیزی که خیر در آن است. (موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۶۰۱) و در اصطلاح عبارت است از؛ واگذارن انتخاب به خداوند با دعا و عمل مخصوص، در کاری که انسان در انجام دادن آن مردد است. این واژه در قرآن نیامده است؛ اما با توجه به این که مسلمانان در مواردی برای تصمیم‌گیری در کارهایشان از روش استخاره با قرآن استفاده می‌کنند، در حوزه مسائل پیرامون قرآن قرار می‌گیرد و از آن جهت که برخی مفسران آیه «أن تستقسموا بالازلة» (مائده: ۳) را به استخاره تفسیر کرده‌اند، می‌تواند در حوزه معارف قرآن قرار گیرد. (ابن عربی، احکام القرآن، ج ۲، صص ۵۴۵-۵۴۴)

استخاره عبارت است از؛ مشورت کردن با خدا، البته در مواردی که فرد متحیر باشد و به خیر بودن انجام و یا ترک کار وثوق و اطمینان نداشته باشد. (تبریزی، صراط النجاة فی أجوبة الاستفتائات، ج ۲، ص ۴۱۷)

لذا گروهی از فقها استخاره را یکی از مصادیق قرعه دانسته‌اند. بنابر این نظر، ادله مشروعیت قرعه برای اثبات مشروعیت استخاره کفایت می‌کند. اما گروهی دیگر استخاره را متفاوت از قرعه می‌دانند، زیرا موضوع استخاره موردی نیست که حکم شرعی آن به خاطر اشتباه در موضوع، مجهول باشد، بلکه حکم موضوع استخاره معلوم است و تنها برای معلوم شدن خیر یا شر است که انسان به استخاره پناه می‌برد و ادله خاصی هم برای مشروعیت استخاره وجود دارد. با این وجود گروهی از فقها با استناد به برخی روایات مانند روایت سهل بن زیاد از امام صادق^(ع) استخاره با قرآن را جایز نمی‌دانند، مانند استخاره‌هایی که در زمان جاهلیت با تیرها صورت می‌گرفت برخی نیز فقط به مشروعیت استخاره‌های مذکور در روایات و منابع شرعی اکتفا کرده‌اند.

تفاوت قرعه و استخاره در این است که؛ قرعه در مواردی است که حکم شرعی آن معلوم نیست چون اشتباه در موضوع است و غالباً در مواردی است که تراحم در حق وجود دارد، اما در استخاره حکم شرعی و موضوع آن معلوم است و امر دائر بین چند امر مباح است که انسان شک در صلاح و فساد دارد. در چنین جایی انسان از راه استخاره تحیر خویش را برطرف ساخته و یک طرف را انتخاب می‌کند، عمل به استخاره که روایات معتبری بر آن دلالت دارد این است که انسان را از استبداد و تکیه بر خود

نجات می‌دهد و به وسیله توسل و توکل بر خدا در تمام امور خویش به خدا توجه می‌کند و خیر و مصلحت خویش را از مولای خود طلب می‌نماید. (زینی وند، مطالعه تاریخی و فقهی کاربرد قاعده قرعه، صص ۱۰۹-۱۰۷)

۴-۲- قمار و فرق آن با قرعه

اکثر قریب به اتفاق لغت‌شناسان، برد و باخت و گرو گذاری را از مقومات مفهوم قمار می‌دانند لذا، بازی بدون برد و باخت در نظرشان قمار نخواهد بود. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۱۵) از ضروریات اسلام، حرمت تکلیفی قمار است، و ضمناً نیز فاسد است، یعنی مالی که از این راه نصیبشان می‌شود حرام است. در نظر برخی از فقها در صدق مفهوم آن برد و باخت شرط نیست بلکه صرف بازی با آلات مخصوص قمار کافی است، در مقابل برخی دیگر در صدق مفهوم قمار افزودن بر وسایل ویژه قمار با دیگر ابزار و اشیاء، قید برد و باخت را به عنوان شرط محوری مطرح می‌نمایند که برابر همان کلام لغویون می‌باشد.

بنابر پاره‌ای از روایات، قمار از مصادیق روشن «اکل مال به باطل» است و قرعه نیست. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، باب ۳۵ از ابواب تحریم کسب قمار، ص ۱۶۴)

۴-۳- تبلیغات و بخت آزمایی و ارتباط آن با قرعه

در عصر حاضر، در شبکه‌های اجتماعی تبلیغاتی وجود دارد که می‌توان آن را بازتولیدی از بلیط‌های بخت آزمایی - سابقه آن به زمان جاهلیت بازمی‌گردد - دانست. افراد به امید برنده شدن در قرعه کشی‌ها در زمینه‌های مختلف، که امکان تحول در زندگیشان را فراهم می‌کند، نسبت به خرید محصولات تبلیغاتی و شرکت در انواع قرعه کشی‌ها اقدام می‌کنند.

ترغیب مشتری برای مصرف بیشتر با هدف کسب جایزه، موضوعی است که امروزه جای خود را به تمام بخش‌های زندگی باز کرده است و قطع به یقین می‌توان گفت کیفیت را فدای قرعه کشی و بخت آزمایی کرده است. شعار این تبلیغات نیز این است که: بیشتر مصرف کنید تا تا بیشتر شانس برنده شدن داشته باشید!

اگر در کلام بزرگان دین و مراجع نظری بیندازیم به نتایج قابل تأملی خواهیم رسید. چنان که رهبری در ملاقاتی که با مسؤلان صدا و سیما داشتند، فرمودند: «عده‌ای ممکن است با دیدن تبلیغات قرعه کشی‌ها و به دست آوردن مقدار زیادی پول توسط یک شخص، بی منطقی به ذهنشان بیاید و از این بی منطقی سوء استفاده کنند، چرا که این کار منطقی ندارد.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسؤلان سازمان صدا و سیما، ۹ آذر ماه، ۱۳۸۳)

نگاهی به استفتانات مراجع عظام در این باره نیز حاکی از ماهیت قمارگونه این گونه فعالیت‌ها دارد و اکثر ایشان این عمل را در صورتی که با پول‌های مردم قرعه کشی صورت گیرد، جایز ندانسته‌اند.

۵- شانس و ارتباط آن با قرعه

در ابتدا پیش از ورود به مبحث ارتباط شانس و قرعه، ضروری است تا تعریفی از ماهیت شانس داشته باشیم.

۵-۱- ماهیت شانس

"شانس" در لغت‌نامه‌های فارسی به معنای بخت و اقبال، اختر و طالع به کار رفته است. همچنین این واژه در فرهنگ لغت معین به معنی "فرصت" نیز آمده است. مضاف بر این؛ با توجه به این‌که اصل واژه شانس، فرانسوی بوده و از *La Chance* آمده، در فرهنگ‌های لغت لاتین نیز "شانس" به معنای بخت و اقبال، تصادف، شانس، فرصت، مجال و اتفاق می‌باشد.^۲ علاوه بر این‌ها؛ در مصاحبه با اساتید زبان فرانسه و چند تن از افرادی که برای مدتی در فرانسه سکونت داشتند، روشن شد که در فرهنگ مردم فرانسه و دیگر کشورهای غربی، "شانس" را پدیده‌ای بدون علت دانسته و به بیان دیگر آن را دستی از غیب می‌دانند که برایشان فرصت بوجود آورده و کاری بکند. می‌توان گفت: "شانس" برای فرانسوی زبان‌ها "پیشامدی" است که تا پیش نیامده باشد، هیچ کس، چه در زمین و چه در آسمان، از آمدنش خبر ندارد و مبنایی الهی ندارد. (فاخری، نگاه قرآن و اهل بیت^(ع) به فرهنگ بخت و شانس، ص ۱۴) واقعیت این است که شانس، مفهوم پیچیده‌ای است؛ این پیچیدگی را شاید بتوان به احتمال ناپذیری ذاتی، پیشبینی ناپذیری و غیر قابل شناخت بودن هر رویدادی نسبت داد.

اصل واژه شانس از لاتین است که اصطلاحی است در بازی با طاس؛ که می‌افتد و آنچه بیاید شانس و تصادفی است. اگر بد بیاید در فرانسوی به آن "mal chance" می‌گویند و اگر خوب بیاید به آن "bonne chance" می‌گویند. رویدادهای شانس از این حیث که فراتر از عقل و محاسبات انسانی قرار دارند، از عدم قطعیتی پرده برمی‌دارند که در متن واقعیت نهفته است. در عین حال، تفسیر شانس به این مسئله بستگی دارد که فرد به دنیا از دریچه دینی یا غیر دینی می‌نگرد.

راز رویدادهای شانس یا به تعبیر دیگر، مجهول بودن آن‌ها فی نفسه هیبت انگیز است. ذهن دین باور در شانس نوعی تقدس یا تجلی اراده الهی می‌بیند. برخی شانس را در دایره قدرت الهی قرار می‌دهند. عده‌ای نیز شانس را به کلی انکار می‌کنند و معتقدند که آنچه اتفاق می‌افتد توسط طراحی متعالی از پیش رقم خورده است. به هر روی، شانس به رویدادهای اتفاقی و تصادفی گویند که چگونگی نگرش به آن، تأثیری معنادار بر حیات انسانی می‌گذارد. (همان، ص ۱۵)

^۲ C.۳۳۰۰, "something that takes place, what happens, an accurrence" (good or bad, but more often bad), from old French Cheance. "accident, chance, fortune, situation, the falling of dice". (۱۲c., Modern French Chance), from Vulgar Latin * cadentic, "that which falls out", a term used indice, from neuter plural of Latin cadens, present participle of cadere to fall.

^۳ پیشامد بد

^۴ پیشامد خوب

۵-۲- جگونگی ارتباط شانس و قرعه

"شانس" موضوعی فرا مذهبی و فرا ملی است که نمودی جهانی دارد و همه خانواده‌ها به گونه‌ای با این پدیده در ارتباط هستند. افراد از دوران کودکی با این واژه آشنا شده و در بزرگسالی با بلیت‌های بخت آزمایی و سپس با امتحان کردن شانس خود در برنده شدن در قرعه کشی‌های متعددی که در اکثر سازمان‌ها تبلیغ می‌شود، سر و کار دارند. آگهی‌های متعدد با وعده‌های عجیب و گاه آرزوهای دست نیافتنی، همگی رواج اعتقاد به شانس را در پی خواهد داشت. به عنوان مثال، در عصر حاضر به طور شانس‌دستیابی به ماشینی پر از پول از جمله وعده‌های سازمان‌های کنونی است. اما حقیقت این است که شانس اگرچه یک باور بیگانه و خرافی بوده که وارد فرهنگ ما شده، اما مردم جامعه ما اکنون آن را با مبنایی الهی به کار می‌برند و کمتر کسی هست که شانس را فرصتی از جانب غیر خدا بداند. (همان، صص ۹۰-۶۴)

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که؛ اگر نام شخصی در قرعه کشی بر اساس باور به شانس در آمد و سپس در قرعه کشی دیگری باز هم نام همان شخص در آمد و چندین بار همین اتفاق افتاد، آیا می‌توانیم از قرعه دست بکشیم و به جای قرعه کشی‌های دیگر همان فرد را برنده قرعه کشی اعلام کرده و او را فردی خوش شانس بدانیم؟ پاسخ این سؤال را می‌توانیم از همان روایات قرعه که در مطالب قبل مطرح شد، بدهیم. در باب ۱۳ کتاب وسائل الشیعه آمده است که؛ پیامبر (ص) فرمود: هیچ قومی نزاع نمی‌کنند که بعد امر خود را به خدا واگذار کنند مگر این که خدا حق را مشخص می‌کند. از این روایت استفاده می‌شود که قرعه واقعیت را نشان می‌دهد و خلاقی در آن راه ندارد، و «إلّا سهم المحق»؛ در این روایت، بیانگر این است که؛ غرض از قرعه، مشخص کردن فرد خوش شانس نیست و در هر مورد باید به طور جداگانه به این امر عمل نمود، و در هر جریان‌ی یک محق و یک مبطل وجود دارد. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۱)

انسان با ایمان به جای به کارگیری الفاظی که نشان دهنده ضعف فکر و اراده و بدبینی و بدبختی او باشد، با عباراتی چون؛ فرصت الهی، توفیق، امداد غیبی و .. به خود آرامش می‌بخشد و در موارد سختی هم با عباراتی چون؛ به مصلحت نبودن، قسمت و روزی نبودن و... از زندگی نا امید نمی‌شود.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «لیسَ الإنسانُ إلّا ما سعی» (نجم: ۳۹)؛ یکی از ویژگی‌های فرد مؤمن است که به حرکت و تلاش برای کسب موفقیت‌ها و کامیابی‌ها اقدام می‌کند. با این بینش و برداشت مشخص می‌شود که هر حادثه یا رویدادی در نظام هستی بر اساس "علت و معلول" و "سبب و مسبب" رخ می‌دهد. لذا اگر پیروزی در عملی مانند قرعه کشی، به شانس و اقبال نسبت داده شد، بدین معنا که بدون هرگونه علتی ایجاد شده است، نشانگر جهل و نادانی به عوامل پیدا و پنهان است؛ گرچه این عوامل در نگاه صاحبان بصیرت همیشه آشکار است.

همچنین باید دانست که باور حادثه یا شانس آن هم به نوعی که بی اساس و بدون علت باشد، نخست حکمت الهی را زیر سؤال می‌برد، که رخدادی به دور از منطق افتاده است. دیگر آن که قدرت خدا مخدوش می‌شود؛ زیرا مثلاً مقصود این است که حوادثی در هستی رخ می‌دهد که از دایره مدیریت و درایت الهی خارج است. در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «ما من طیر یصاد إلّا بترکه التسبیح و ما من مال یُصاب إلّا بترک الزکات»؛ هیچ پرنده‌ای نیست که صید شود، مگر با ترک تسبیح خداوند و هیچ مالی نیست که زیان و مصیبت ببیند مگر با ترک زکات. (کلینی، کافی، ج ۱۳، ص ۵۰۵)

بر این اساس همه امور دارای علت و سبب هستند و علت العلل همه نیز خداوند بزرگ است.

نتیجه‌گیری

قرعه از قواعد فقهی است که مشروعیت آن از طریق قرآن، روایات، عقل و بنای عقلا اثبات می‌شود. این قاعده تنها در جایی اجرا می‌شود که امر مشکلی باشد و اختلافات دیگر همگی بر سر تشخیص مصادیق امر مشکل باشد، لذا زمانی که مشخص شد امری مشکل است تنها راه استفاده و در واقع آخرین راه، قرعه انداختن است. همچنین باید دانست که حقیقت و غرض قرعه مشخص کردن آدم خوش‌شانس نیست بلکه گره‌گشایی و رفع تحیر است؛ چرا که قرعه وسیله خوبی برای ترجیح یکی از طرفین بدون جانبداری است.

در مورد ارتباط قرعه با شانس نیز همین بس که بگوییم؛ اگر شانس و بخت را به این معنا بگیریم که برای کسی درهای نعمات مادی و معنوی گشوده شود و بدون محاسبه قبلی، زندگی انسان دگرگون شود در این موارد باید توجه داشته باشیم که این واقعه یک اتفاق بی‌اساس و بدون حساب و کتاب نیست، بلکه از منظر قرآن و روایات اهل بیت^(ع) این‌ها نیز محصول عملکرد گذشته خود انسان است. امام علی^(ع) می‌فرماید: «کسی که اخلاقی خوب و گشاده باشد، گنج‌های روزی نصیب او می‌شود.» (نهج البلاغه، حکمت‌ها، ص ۳۰۰) و همچنین می‌فرماید: «رزق را به وسیله صدقه دادن فرود آورید.» (همان، حکمت ۱۳۷)

بر این اساس، این‌گونه رزق دادن خداوند را چون بعضی مواقع به علت آن آگاه نیستیم و دارای علت معنوی است، آن را به شانس و بخت و اتفاق نسبت می‌دهیم. مطابق آن‌چه در قرآن و روایات آمده باید بدانیم که؛ هرکس محصول نیک و بد خود را می‌چیند و در این جهان و جهان دیگر با نتایج آن روبرو خواهد شد.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن منظور، محمدبن مكرم. (۱۳۷۴). لسان العرب، چ چهارم، بیروت: دار صادر.
- ۲- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۵). العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، قم: دارالهجره.
- ۳- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین، چ سوم، تهران: نشر مرتضوی.
- ۴- معین، محمد. (۱۳۷۶). فرهنگ فارسی، چ دهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۵- تاجمیری، امیرتیمور. (۱۳۷۷). فرهنگ عبارات و اشارات حقوقی، چ اول، تهران: انتشارات آفرینه.
- ۶- زینی‌وند، شهلا. (۱۳۹۵). "مطالعه تاریخی و فقهی کاربرد قاعده قرعه"، راهنما: سیدحسین آل طاهای، مشاور: عبدالحسین رضایی راد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز. صص ۳۷-۳۵.
- ۷- زیدان، جرجی. (بی‌تا). تاریخ التمدن الاسلامی، بیروت: دار مکتبه الحیاء.
- ۸- حرّ عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۲۴). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح محمدتقی نوری، قم: مؤسسه نشر اسلامی

- ۹- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۵). الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: انتشارات الکتب الاسلامیه.
- ۱۰- خراسانی، محمود بن عبدالسلام. (۱۴۱۷). ادوار فقه، چ پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۱- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (بی تا). من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت^(ع).
- ۱۲- حسین مراغی، عبدالفتاح بن علی. (۱۴۱۷). العناوین الفقهیه، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه حوزه علمیه.
- ۱۳- نراقی، مولی احمد. (۱۴۱۷). عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۴- نجفی، محمدحسن. (۱۴۱۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ۱۵- فاضل لنکرانی. (بی تا). نهیة التقرير، تقریرات درس آیت الله حسین طباطبایی بروجردی، قم.
- ۱۶- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۵). تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم: انتشارات اسلامی.
- ۱۷- ابن عربی، محمد بن عبدالله. (۱۴۰۸). احکام القرآن، چ اول، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل.
- ۱۸- تبریزی، میرزا جواد. (۱۴۱۷). صراط النجاة فی أجوبة الإستفتائات، چ دوم، قم: دار الإعتصام.
- ۱۹- فاخری، فاطمه. (۱۳۹۷). "نگاه قرآن و اهل بیت^(ع) به فرهنگ بخت و شانس"، راهنما: حمیدرضا بصیری، مشاور: محمد شعبانپور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- ۲۰- دشتی، محمد. (۱۳۸۵). ترجمه نهج البلاغه، چ اول، بوشهر: مؤسسه انتشاراتی موعود اسلام.